



غلبه نگاه صرفاً تاریخی به اسلام و تمدن اسلامی در رویکرد مستشرقان غربی

اغلب مستشرقان می‌کوشند تا با نگاهی فرودستانه، اسلام را به عنوان یک دین صرفاً تاریخی معرفی کنند ...

اغلب مستشرقان می‌کوشند تا با نگاهی فرودستانه، اسلام را به عنوان یک دین صرفاً تاریخی معرفی کنند که تجربه‌های تمدنی و آموزه‌های ارزشی - دینی خود را با صورت‌بندی بسیار نازل و سطحی و حتی با انحراف‌هایی، از خاستگاه‌های دیگر اقتباس کرده است!

حجت‌الاسلام و المسلمین ذبیح‌الله نعیمیان، عضو هیئت علمی پژوهشگاه اندیشه سیاسی اسلام (وابسته به دبیرخانه مجلس خبرگان)، در گفت‌وگو با خبرگزاری قرآنی ایران (ایکنا)، به بیان سخنانی درباره سیر تاریخی مواجهه تمدن غرب با دنیای اسلام و آسیب‌شناسی مطالعات اسلام‌شناسی در غرب پرداخت. بخش پیشین این گفت‌وگو را اینجا بخوانید!

وی در بخشی از سخنان خود با بیان این‌که شرق‌پژوهی در دنیای غرب همواره با فعالیت‌های استعماری توأمان بوده، اظهار کرد: نگاه فرادستانه غربیان به شرق فرودست، محصول نوعی غیریت‌سازی و غیریت‌پردازی بوده که تمدن جدید آن را ایجاد کرده است و در واقع بسیاری از ابعاد آموزه‌ها و تجربیات تمدن اسلامی در این بازخوانی شرق‌شناسانه به سود تمدن غربی تفسیر شده است.

نگاه صرفاً تاریخی به اسلام و تجربه‌های تمدنی آن

این محقق و پژوهشگر ادامه داد: مستشرقان خاستگاه دیگری برای تلاش‌های تمدنی و عینی مسلمانان و از جمله ایرانیان مسلمان معرفی می‌کنند؛ چه آنکه می‌خواهند اسلام را به عنوان یک دین صرفاً تاریخی معرفی کنند که تجربه‌های تمدنی و آموزه‌های ارزشی - دینی خود را با صورت‌بندی بسیار نازل و سطحی و حتی با انحراف‌هایی، از خاستگاه‌های دیگر اقتباس کرده است؛ این امر چندان گسترده است که می‌توان غلبه این نگاه را بر رویکرد عمده اسلام‌شناسان و شرق‌شناسان مشاهده کرد.

وی اضافه کرد: البته شرق‌شناسی دچار تحولات خاصی در فضای غربی شده، اما این نگاه را هنوز از دست نداده است. شرق‌شناسی جدید را - اگر واقعاً بتوان شرق‌شناسی نامید - از این نگاه دور نشده است، چنان‌که در چند دهه اخیر، زمانی که حتی از مسلمانان برای مطالعات اسلام‌شناسی کمک گرفته‌اند، پیش از آن‌که آنها را به استخدام فعالیت‌های پژوهشی درآورند، آنها را در فرآیندی آموزشی با روح نگاه، روش‌ها و مبانی شرق‌شناسانه‌ای که مبتنی بر فرادستی غرب بوده، آشنا و این نگاه را در ذهن و دل آنان نهادینه کرده‌اند.

عضو هیئت علمی پژوهشگاه اندیشه سیاسی اسلام در تشریح این مطلب عنوان کرد: بسیاری از مسلمانان نیز زمانی که در دامن کلان‌پروژه شرق‌شناسی و پروژه اسلام‌شناسی به فعالیت پرداخته‌اند، بی‌آنکه خود بدانند - و البته حتی گاه خود آنها نیز می‌دانند و تاحدی خودآگاهی بدان دارند - در همان چارچوب فرادستانه غرب به تأملات اسلام‌شناسانه و شرق‌شناسانه پرداخته‌اند و تنها به بازنگری‌ها و تأملات در مصادیق جدید اکتفا کرده‌اند.

گرچه کسانی چون هانری کربن با نگاه پدیدارشناسانه تلاش کرده‌اند تا به حاق واقع و باطن آموزه‌های اسلام دست یابند، اما همه این گونه تجربیات نیازمند آن است که مورد تأمل جدی قرار گرفته و صبغه انتقادی به خود بگیرند تا بتوان به تجربه اسلام‌شناسی در غرب با نگاه عمیق‌تری نگاه کرد

وی تصریح کرد: در مجموع می‌توان گفت که پروژه اسلام‌شناسی و شرق‌شناسی به طور کلی محصول تمدن جدید غرب است، هرچند اگر جزیی‌نگرانه به کاوش‌های برخی از شرق‌شناسان و اسلام‌شناسان بنگریم، ممکن است حتی تلاش آنها را پاس داشته و حتی نیازمند قدردانی برخی از تأملات آنها باشیم.

حجت‌الاسلام نعیمیان در تشریح این مطلب گفت: با این حال نگاه کلان، نگاه فرادستانه است که تمدن غربی آن